روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
سه‌شنبه | ۱۵ بهمن ۱۳۹۸ | ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ | ۴ فوریه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۸۵۸ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۱ سال و ۹۰ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2858 | TUE.FEB.04, 2020 | ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه:

شهرهای مختلف از حضور عالمان دین خالی نشود

صفحه ۲

«شنای پروانه» چگونه دوقطبی موجود در سینمای موسوم به اجتماعی را زیر سؤال می‌برد

نه انفعال نه لات‌بازی

صفحه ۸

دکتر ابراهیم رزاقی در گفت‌وگو با «وطن‌امروز» با اشاره به ضرورت حضور نگرش جهادی در مدیریت اقتصادی دهه پنجم انقلاب:

نگذاشتند تفکر حاج قاسم وارد اقتصاد شود

صفحه ۵

گزارش «وطن‌امروز» از نشست بررسی ابعاد سیاسی-استراتژیک ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی که با حضور ابراهیم متقی، ناصر هادیان، فؤاد ایزدی و کیهان برزگر در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد برگزار شد

دانشگاه قدردان سلیمانی

اشک‌های ناصر هادیان هنگام توصیف شخصیت سردار سلیمانی

ثمانه اکوان: روز گذشته دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد میزبان جمعی از اساتید دانشگاهی در حوزه روابط بین‌الملل بود تا به بررسی ابعاد سیاسی-استراتژیک ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی بپردازند. جامعه دانشگاهی تاکنون چندین جلسه برای بررسی ابعاد حقوقی این ترور و همچنین شرایط سیاسی بین ایران و آمریکا بعد از حادثه اخیر برگزار کرده است اما در جلسه روز گذشته که با حضور اساتیدی از جناح‌های مختلف سیاسی کشور برگزار شد، مباحثی مطرح شد که نشان می‌دهد دانشگاه مبهوت حاج قاسم سلیمانی و دستاوردهایش در حوزه سیاست خارجی کشورمان مانده است.

در این نشست تخصصی که با حضور دکتر کیهان برزگر، دکتر ابراهیم متقی، دکتر ناصر هادیان و دکتر فؤاد ایزدی برگزار شد، مسائل مرتبط با حوزه فعالیت‌های ایران در منطقه مورد بحث قرار گرفت و اساتید روابط بین‌الملل به بررسی نظریات و تئوری‌هایی پرداختند که هر کدام تأییدکننده فعالیت‌های شهید سلیمانی در منطقه بود.

شاید در عرصه سیاست کشور هنوز هم نظرهای مختلفی درباره «عمق استراتژیک» ایران در منطقه و ضرورت حضور نیروهای ایرانی در کشورهای منطقه مطرح باشد اما نمایندگان جامعه دانشگاهی روز گذشته در بحث‌های خود نشان دادند مسأله بازدارندگی در سیاست خارجی و امنیتی ایران، مسأله‌ای نیست که بتوان از نظر علمی آن را دچار خدشه و تردید دانست.

در هم تنیدگی شخصیت سیاسی، نظامی و فرهنگی حاج قاسم سلیمانی، اساتید بزرگ روابط بین‌الملل را نیز وادار کرد درباره همه این مباحث به صورت مجزا وارد بحث و تبادل نظر شوند. آنها با وجود اینکه سعی داشتند از نظر علمی به این مسأله بپردازند و احساسات خود را وارد میدان تحلیل مسائل سیاست خارجی نکنند اما همین در هم تنیدگی و پیچیدگی شخصیت شهید سلیمانی آنها را نیز با واکنش‌هایی چند بعدی روبه‌رو کرد که نهایت آن اشک‌های ناصر هادیان به عنوان استاد روابط بین‌الملل و یکی از چهره‌های سرشناس اصلاح‌طلب در فراق این شخصیت بزرگ ملی بود.

در این گزارش مباحث مهم مطرح شده توسط این اساتید به صورت مفصل آمده است.

■ دکتر برزگر: افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران فراتر از بحث‌های مقاومت و بحثی امنیتی است

در ابتدای این همایش دکتر کیهان برزگر، عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات در اظهارات خود گفت: از نظر من سردار قاسم سلیمانی یک فرمانده ملی بودند و یک استراتژی فوق‌پیشرفته داشتند. استراتژی ایشان یک استراتژی هوشمند بود که ۲ جنبه داشت؛ جنبه اول افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در قسمت خوش‌خیمش بود. افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران یک مبنای استراتژیک داشت و آن مبنای استراتژیک در واقع فراتر از بحث‌های ایدئولوژیک و بحث‌های گروه‌های مقاومت و مرتبط با بحث‌های امنیت ملی کشور است. حضور منطقه‌ای ایران به این دلیل است که افزایش نفوذ منطقه‌ای می‌تواند جایگاه ما را در معادلات سیاست جهانی ارتقا دهد.

وی در ادامه افزود: قسمت دوم که مهم‌تر است، دفاع از State یا کشور است. وقتی که اسم از حاج قاسم می‌آید، به هر حال بحث مقاومت هم مطرح می‌شود اما بحث مهم‌تر، بحث ملی بود که مسأله بقای کشور است. داعش آمد تا ایران را بزند و اگر کشور ایران دچار فروپاشی می‌شد، فلات قاره ایران از لحاظ جغرافیایی، می‌توانست به‌صورت دومینو یک بی‌ثباتی را در منطقه ایجاد کند. کاری که آقای سلیمانی کرد این بود که با یک هزینه کم، شبکه‌های محلی از نیروهای محلی در کشورهای دوست به وجود آورد که این شاهکار نظامی فوق پیشرفته و فوق استراتژیک بود و هیچ‌وقت آمریکایی‌ها با تریلیون‌ها دلار خرجی که کرده بودند تا افغانستان و عراق را به دست آورند، یا سعودی‌ها کردند، نتوانستند به آن دست پیدا کنند. این شاهکار نظامی در واقع ترکیب قدرت متقارن و نامتقارن بود و شبکه‌های محلی طرفدار ایران بسیج شدند و نیروهای مخالف ایران را فراتر از مرزهای ملی ایران سرکوب کردند. این قسمت مربوط به بقای کشور ایران است. به نظر من ترکیب این دو، یک نکته استراتژیک در درونش به وجود می‌آید که این شاهکاری است که به دست حاج قاسم سلیمانی شکل گرفت.

■ دکتر متقی: ایرانی همواره نگاه فرامنطقه‌ای به امنیت داشته است

در ادامه دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ گفت: انقلابی شکل گرفت، جنگ ۸ ساله‌ای سپری شد، ثبات سیاسی حاصل شد، روندهای توسعه اقتصادی به وجود آمد و انگاره ذهنی ایران این دفعه در قالب ایدئولوژی اسلامی بازتولید شد. مسأله صدور انقلاب با رویکردی که ایران در دوران‌های گذشته داشته، به لحاظ منطق ژئوپلیتیکی یگانه است و بر این اساس ایران موضوع صدور انقلاب را در دستور کار قرار داد. رویکرد ایران با یک نوع خوش‌شانسی هم همراه شد برای جمهوری اسلامی. از یک طرف ساختار نظام بین‌الملل از فضای دوقطبی خارج شد و فضای ساختاری بین‌المللی در فضای گذار و ابهام قرار گرفت و از طرف دیگر آمریکا می‌خواست نقش هژمون جهانی را ایفا کند که قابلیت لازم را برای ایفای چنین نقشی نداشت. نه آمریکا تمایل داشت در فضای موازنه قدرت بین‌المللی ایفای نقش کند و نه قدرت این را داشت که نقش هژمون را داشته باشد. به همین دلیل در افغانستان مداخله کرد، در عراق مداخله کرد اما مداخله‌اش غیر مؤثر بود. ساختار به هم ریخت اما نتوانست این ساختار را جمع کند و نتوانست دولت‌سازی و ملت‌سازی، هنجارسازی و فرهنگ‌سازی را انجام دهد، به این ترتیب خلأ قدرت به وجود آمد و ایران از خلأ قدرت ایجاد شده بهره گرفت. البته چاره‌ای نداشت جز اینکه خلأ قدرت ایجاد شده را ترمیم کند. در نتیجه بر اساس یک اصل ژئوپلیتیکی وارد جریان شد و آن اصل، اصل اصطکاک است. بازیگری که می‌خواهد نقش‌آفرین باشد، باید آمادگی این را داشته باشد که اصطکاک ایجاد کند و کنشگر باشد و ریسک کند. این فضا در ذهنیت ایرانی وجود داشت و ساختار سازمانی هم شکل گرفت. ما نیروی قدس یا مسأله صدور انقلاب را از سال ۵۸ داشتیم. سپاه پاسداران در سال ۱۳۵۸ معاونتی داشت به نام معاونت جنبش‌ها. در آن زمان که من دانشجوی لیسانس بودم، همایشی برگزار شد و ۴۷ جنبش آزادی‌بخش به دعوت سپاه پاسداران در تهران تشکیل جلسه دادند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که قاسم سلیمانی توانست الگوی صدور انقلاب را بر اساس قالب‌های اجتماعی و هنجاری و ابزارهای قدرت خود بازیگران منطقه‌ای توسعه دهد.

امروز مجموعه مربوط به جبهه مقاومت به اندازه‌ای عمق پیدا کرده و ریشه دارد که اصلاً نیازی به کمک اقتصادی ایران ندارد. یکی از بحث‌هایی که «برایان هوک» و «مایک پمپئو» دارند یا ترامپ دارد، این است که می‌گویند پول‌هایی که ما به ایران می‌دهیم و منتقل می‌شود به ایران، منتقل می‌شود به حوزه منطقه‌ای. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. میزان بودجه سالانه کل ارتش و وزارت دفاع ایران کمتر از ۵ میلیارد دلار است و پولی که برای نیروی قدس اختصاص داده می‌شود، کمتر از یکی از ۳۷ پایگاهی است که آمریکایی‌ها در اطراف مرزهای ما دارند. بنابراین کاری که سلیمانی توانست انجام دهد این بود که موازنه قدرت منطقه‌ای را تغییر داد. آمریکایی‌ها مخالف تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای هستند. می‌توانستند به‌صورت‌های مختلف ایران را محدود کنند یا نیروی قدس را محدود کنند اما ترامپ ترجیح داد از الگوی مقابله با شدت استفاده کند. روح برتری‌جوی ترامپ منجر به این شد که اقدامی که علیه ایران انجام داد، یک اقدام صلیبی باشد. مورگنتا می‌گوید حوزه کنش راهبردی اگر در فضای ذهنیت‌های صلیبی قرار بگیرد، نمی‌تواند آثار ژئوپلیتیکی لازم را داشته باشد. ممکن است کسانی که جانشین سلیمانی شده‌اند، به لحاظ تاکتیکی، عملیاتی و تنظیم راهبرد اتصال منطقه‌ای، قابلیت او را نداشته باشند اما خود آن ساختار- ساختار مقاومت در محیط منطقه‌ای- به نوعی ادامه خواهد یافت و به همین دلیل است که چالش‌ها و هزینه‌های امنیتی و نظامی آمریکا در آینده بیشتر می‌شود. اگر آمریکایی‌ها مخالفت و انتقاد کردند از ترور سردار سلیمانی، به دلیل پیامدهایی بود که در آینده گریبان آنها را می‌گیرد و در حال ظهور است. فضای موجود منطقه‌ای برخلاف صحبت‌های ترامپ و پمپئو که گفتند جهان یا منطقه بدون سلیمانی، امن‌تر خواهد بود، نگاهی که من دارم این است که فضای منطقه‌ای ناامن‌تر و دارای آشوب و درگیری بیشتر خواهد بود.

■ دکتر هادیان: سیاست‌های بازدارندگی ایران در منطقه تغییری نمی‌کند

در ادامه این همایش دکتر ناصر هادیان، استاد دانشگاه با اشاره به اظهارات دکتر متقی گفت: در ابتدای امر بگویم من با نکته آخری که آقای دکتر متقی فرمودند کاملاً موافقم اما در پاسخ به این سؤال که ترور شهید سلیمانی چه تأثیری بر مقاومت در منطقه می‌گذارد، باید بگویم هیچ تأثیری ندارد، چرا که سیاست‌ها توسط نظام تعیین و تدوین می‌شود و نه یک فرد، بلکه نظام خطوط قرمز و چارچوب‌های اصلی را تعیین می‌کند. در این‌باره سردار قاآنی هم گفته است که سیاست‌ها با سیاست‌های گذشته هیچ تفاوتی نخواهد داشت، البته نمی‌توانیم فقدان شخصیت شهید سلیمانی را نادیده بگیریم. من ۲ شأن برای ایشان قائل هستم؛ یک شأن واقعی و یک شأن نمادین. ایشان یک فرمانده بودند اما در جنگ ایشان جزو حلقه اول ۱۰ نفره فرماندهان جنگ تحمیلی نبودند، بنابراین ایشان اواخر دهه دوم انقلاب است که از میان حلقه شاید ۱۰۰ نفره فرماندهان کشف می‌شوند و به مرور مهارت‌های فرماندهی و دانش‌شان افزایش پیدا می‌کند تا جایی که شأن واقعی ایشان، به یک فرمانده مؤثر تبدیل می‌شود. اما نباید در این‌باره خیلی هم اغراق کنیم. ایشان بالاخره فرماندهانی در معاونت خود داشتند که فرمانده اول و دوم و تا رده چهارم و... بودند. این افراد با قاسم سلیمانی فاصله دارند اما این فاصله‌ها، فاصله‌های پر نکردنی‌ای نیست. سردار قاآنی معاون ایشان بوده و سالیان سال در آنجا مدیریت چند هزار نیرو را بر عهده داشته و فرماندهی این نیروها با یک ساختاری بوده است که سردار سلیمانی در رأس آن سازمان بوده است. پس نفر دوم یا قائم‌مقام ایشان هم در گرداندن این سازمان نباید فاصله چندانی از سردار سلیمانی داشته باشد.

می‌خواهم بروم سراغ شأن نمادین ایشان. این شأن بویژه در ۱۰ سال گذشته وضعیتی پیدا کرده بود که خیلی سایه می‌انداخت بر شأن واقعی‌شان. آن هم به خاطر این بود که کاریزمای خاصی داشتند و این کاریزما خیلی مؤثر بود در ایجاد این شأن نمادین ایشان و به مرور یک شخصیت اسطوره‌ای در میان مردم خودمان و مردم منطقه و حتی می‌توانم بگویم در غرب از ایشان ایجاد شد.

نکته دیگری که بسیار مهم است، شناخت ایشان از رهبران منطقه و ارتباطاتی که با آنها داشتند است. یک ارتباطات شخصی‌ای داشتند که با چند صحبت خصوصی رهبران منطقه را به خود جذب می‌کردند. این مسأله کاری به محور مقاومت یا شخصیت‌های شیعی ندارد و جاذبه‌ای است که همه رهبران را جدا از نوع رفتار و نگاه‌شان به محور مقاومت جذب می‌کرد.

درباره تأثیر ترور شهید سلیمانی بر سیاست‌های بازدارندگی ایران در منطقه هم باید بگویم سیاست‌های بازدارندگی ما هم تغییری نکرده است. این بازدارندگی ما یک بنیادهایی دارد و قائم به شخص نبوده است. ما ظرفیت‌سازی کرده‌ایم و بازدارندگی ما Asymmetric یا نامتقارن است. این هم ظرفیت‌سازی‌ای بود که حضور سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده سپاه قدس ایجاد کرد. بنابراین این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها سرجایش است. حزب‌الله سر جایش است، موشک‌های حزب‌الله سر جایش است، حشدالشعبی سر جایش است. اتفاق خاصی در این‌باره نیفتاده است. پس برای بازدارندگی ما اتفاق خاصی نیفتاده است. ما بر اساس «دریافت تهدید» (Threat Perception) عمق استراتژیک خودمان را تعیین کرده‌ایم. عمق استراتژیک بسادگی تعیین نمی‌شود. بر اساس تهدید است که عمق استراتژیک تعیین می‌شود. بویژه موضع دفاعی که برای ما نیز دقیقاً موضع دفاعی دارد. به خاطر این موضع دفاعی، عمق استراتژیک ما لبنان و سوریه است، زیرا وقتی ما تهدیدهای‌مان را درجه‌بندی می‌کنیم، می‌گوییم: ۱- آمریکا، ۲- اسرائیل ۳- هرج‌ومرج منطقه‌ای از جمله تروریسم ۴- نظم جهانی و... با فاصله زیاد ۵- عربستان.

بر اساس این تهدیدات، عمق استراتژیک ما می‌شود سوریه و لبنان و اگر قرار است بازدارندگی ایجاد کنیم، باید این حضور تدافعی وجود داشته باشد. برای مثال در لبنان، حضور ما حضوری تدافعی است، لذا یک منبع اصلی بازدارندگی ما به غیر از موشک‌های‌مان، موشک‌ها و راکت‌های حزب‌الله و نیروهای طرفدار ما در سوریه است که اینها می‌توانند موجب شوند دشمن در حمله به ایران تردید کند.

بنابراین ما توانسته‌ایم یک ارتش چندملیتی ایجاد کنیم. موشک‌های‌مان سرجایش است و آرایش نظامی خاصی را داریم. این ارتش چندملیتی بسیار مهم است، چرا که من کشوری را به یاد ندارم که قادر باشد یک ارتش چندملیتی برای خود ایجاد کند. ارتش‌ها به‌صورت ائتلافی بوده‌اند؛ مثل جنگ کویت یا عراق. ائتلاف ارتش‌ها را داشته‌ایم اما یک ارتش چندملیتی با فرماندهی واحد را به یاد نمی‌آوردم و ما برای اولین‌بار قادر شدیم یک ارتش واحد چندملیتی ایجاد کنیم.

به لحاظ استراتژیک آمریکا نشان داد آماده جنگ است. زدن شهید سلیمانی به معنای اعلام آماده بودنش برای جنگ با ایران بود. از لحاظ نظامی کار خیلی مهمی در این باره نکرد، چرا که اطلاعاتش را داشت و این کار را می‌شد انجام داد. در روایت رسمی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، روایت آمریکا که بگوید من یک تروریست را زدم و دست سردار سلیمانی به خون آغشته بود، خریده نشد و مورد قبول افکار عمومی قرار نگرفت. حتی مؤتلفان خودشان هم این روایت را نخریدند و گفتند این کار بیشتر یک بی‌احتیاطی و عملی ماجراجویانه بود.

■ تحلیل ابعاد حمله به عین‌الاسد

دکتر هادیان در ادامه در بیان ابعاد تحلیلی حمله به عین‌الاسد گفت: موشک زدن ما چه کرد؟ چون این بحث شده که کسی کشته نشده و انتقام سخت شاید گرفته نشده باشد، باید ابعاد آن را بررسی کنیم. زدن عین‌الاسد ۳ بعد اساسی دارد.

۱- از منظر استراتژیک کافی بود که فقط یک موشک هوا کنیم و نه اینکه برود و به کسی بخورد. این موشک هوا کردن به این معنی بود که ما آماده جنگیم. همین‌جور که آمریکا با زدن قاسم سلیمانی می‌گفت من آماده جنگم، موشک هوا کردن هم به این معنی بود که ما هم آمادگی لازم را برای جنگیدن داریم. در این باره حتی اگر یک موشک نیز هوا می‌کردیم، از لحاظ استراتژیک به هدف‌مان می‌رسیدیم ولی در مقابل ما ۱۳ موشک فرستادیم که این خود نشان از عزم ایران داشت.

۲- از منظر نظامی ۱۳ موشک رفته که هیچ‌کدام رهگیری نشده و از بین نرفته است. این به لحاظ نظامی از اهمیت بالایی برخوردار است که نیروهای آمریکایی حتی یک عدد از این موشک‌ها را هم نتوانستند رهگیری کنند، چه رسد به شکار و از بین بردن آنها.

۳- از منظر سیاسی اینکه بتوانیم این مسأله را روایت کنیم و جا بیندازیم این انتقام، انتقام سخت بود، در این موضوع ما نتوانستیم موفق بشویم و این روایت، روایت غالب نشد و از منظر سیاسی و رسانه‌ای موفق نبودیم.

وی در ادامه افزود: در آخر دوست دارم به نکته‌ای درباره شخصیت شهید سلیمانی اشاره کنم.

این نکته مربوط به شخصیت ایشان این است که ایشان اصلا لباس سربازی را از تن درنیاورد. هرگز وسوسه نشد. ایشان در هر حال سرباز بود و به‌رغم اینکه محبوبیت و مشهور بودن را داشت، به سرباز بودن خودش تا لحظه آخر افتخار می‌کرد. این جمعیتی که آمد به نظر من به همین دلیل بود، چرا که مردم دیدند او سرباز بود و وصیت هم کرد روی قبر من بنویسید: «سرباز قاسم سلیمانی». [گریه دکتر هادیان و تشویق حضار]

ادامه در صفحه ۲

تیترهای امروز

افتتاح زیرگذر استاد معین صحنه انتقادهای اهالی منطقه به عملکرد مدیران شهری پایتخت شد

تونل اعتراض

■ عضو سابق شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز»: افتتاح ناقص زیرگذر استاد معین به جای حل مشکل، دردسرساز است

صفحه ۴

رقابت‌های درون‌حزبی احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا برای تعیین کاندیدای نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری از آیووا کلید خورد

دولت اوباما علیه سندرز

■ با وجود پیشتازی سندرز در نظرسنجی‌ها مقامات دولت سابق آمریکا از بایدن حمایت می‌کنند

صفحه ۷

گزارشی درباره روند پرونده روح‌الله زم از زمان دستگیری تا امروز

زم هفته بعد در دادگاه

صفحه ۲

مطالبه گروه‌های عراقی از نخست‌وزیر جدید

علاوی پیگیر اخراج آمریکا باشد

صفحه ۷

فیلم فجر

غنیمت «روز صفر»

[محمدرضا کردلو]

حرکت فراستی عجیب و غریب بود. یکدفعه در نشست خبری، آمد و رفت روی سن و پشت تریبون و شروع کرد به تعریف کردن از فیلم، از بازی‌ها و گفت بهترین فیلم جشنواره است. حتی از موسیقی فیلم که انتخابی بود و اورجینال نبود تعریف کرد. تعریف‌های فراستی از «روز صفر» سعید ملکان را می‌شود جدی گرفت، می‌شود جدی هم نگرفت. مثلا پارسال فراستی از «طلا»ی پرویز شهبازی هم تعریف کرده بود که اصلا به مرحله اکران نرسید. فارغ از تعریف‌های فراستی، «روز صفر» سعید ملکان به عنوان یک تریلر پلیسی که در تحسین و تمجید تلاش‌های وزارت اطلاعات ساخته شده، فیلمی قابل تامل بود.

یکی از نکات مهم درباره سوژه‌هایی مانند سوژه «روز صفر»، «مضیقه واقعیت» است. چون ماجرا در واقعیت اتفاق افتاده، بازنمایی آن ولو با کمترین خطا با مورد واقعی‌اش مشابهت داده خواهد شد. وقتی هم که ژانر محوری فیلم پلیسی-جاسوسی انتخاب می‌شود، کار سخت‌تر می‌شود، چرا که هر تفسیر دراماتیک، در بازنمایی واقعیت می‌تواند کاریکاتوری شود یا حتی وجه کمدی پیدا کند. همه اینها کار را برای ملکان سخت می‌کند اما «روز صفر» ایده‌ای خاص را در پیش گرفته تا واقعیت را تبدیل به داستان کند.

تبدیل یک ماجرای مهم امنیتی- پلیسی به یک رقابت و تعقیب و گریز دو نفره عبدالمالک و نیروی امنیتی و تعریف داستان از این زاویه به معمایی شدن ماجرا کمک می‌کند و با تعلیق‌های پی‌درپی، فیلم به نقطه بحران می‌رسد.

«روز صفر» یکی از وفادارترین داستان‌ها به واقعیت و از مهم‌ترین فیلم‌های حوزه امنیتی در ژانر جاسوسی است که دستاوردهای فنی تازه‌ای نیز برای سینمای ایران به ارمغان آورده است. در برخی سکانس‌ها تشخیص فیلم از یک فیلم هالیوودی در همین ژانر کار ساده‌ای نیست، بویژه در سکانس‌های اکشن تعقیب و گریز در افغانستان که مثلی در سینمای ایران نداشته است.

نگاه ملی و انسانی فیلم که در داستانی موازی با تعقیب و گریز مامور امنیتی- عبدالمالک با آن مواجهیم هم باعث می‌شود دلیل تعقیب و گریز و درگیری‌ها و کشت و کشتارها عینی شود. ماجرای انتحاری نوجوان بلوچ که قرار است با فرمان عبدالمالک خودش را در تهران منفجر کند، برای مخاطب عام نمایانگر وجه اصلی دعوای ۲ نفره عبدالمالک و نیروی امنیتی است. دعوا دعوای امنیت است؛ نعمت ناشناخته‌ای که سینمای ما حقش را ادا نکرده است و از این منظر «روز صفر» آن هم با این کیفیت را باید تقدیر و تحسین کرد.

ادامه در صفحه ۸